



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir

# چرا کوفیان بہ جنگ

امام حسین علیہ السلام

رفتند؟

محمد جواد مروجی طبسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# چرا کوفیان به جنگ امام حسین (ع) رفتند

نویسنده:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر چاپی:

محمد جواد مروجی طبسی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	..... فهرست
۶	..... چرا کوفیان به جنگ امام حسین علیه السلام رفتند؟
۶	..... مشخصات کتاب
۶	..... مقدمه
۶	..... عوامل درونی
۶	..... اشاره
۶	..... تناقض آشکار در سیره و گفتار
۷	..... پیمان شکنی
۷	..... زود باوری در جنگ‌های روانی
۸	..... نداشتن آزادی عمل و استقلال فکری
۹	..... عوامل برونی
۹	..... اشاره
۹	..... ایجاد رعب و وحشت
۹	..... دستگیری هواداران امام حسین
۱۰	..... تطمیع مردم به پول، مقام، جایزه
۱۰	..... حضور یافتگان در کربلا
۱۱	..... اوصاف لشکر ابن سعد از زبان امام
۱۱	..... پاورقی
۱۲	..... درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## چرا کوفیان به جنگ امام حسین علیه السلام رفتند؟

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی : ایران ۸۲-۲۵۰۲

سرشناسه : مروجی طبسی، محمدجواد

عنوان و نام پدیدآور : چرا کوفیان به جنگ امام حسین (ع) رفتند / مروجی طبسی، محمدجواد  
منشأ مقاله : پاسدار اسلام، ش ۲۵۵، ۲۵۶، (اسفند ۱۳۸۱ و فروردین ۱۳۸۲): ص ۷۴ - ۷۷.

توصیفگر : تاریخ اسلام

توصیفگر : کوفه

توصیفگر : مردم

توصیفگر : حسین بن علی (ع)، امام سوم

توصیفگر : جنگ

### مقدمه

با دیدی که نسبت به مردم کوفه داریم انتظار آن نمی‌رفت که با یک چرخش تمام، سوابق درخشان خود را - که در جنگ جمل و صفین و نهروان نشان داده بودند - زیر پا گذارده و به جنگ فرزند رسول خدا، حضرت امام حسین (ع) بشتابند. حال برای روشن شدن مطلب نخست باید عوامل و زمینه‌ها را بررسی کرد که چه عواملی باعث شد تا مردم کوفه دست به این جنایت هولناک بزنند؟ به طور خلاصه باید گفت دو دسته از عوامل بودند که زمینه رفتن مردم کوفه به کربلا را فراهم کردند: الف - عوامل درونی. ب - عوامل برونوی. مقصود از عوامل درونی آن زمینه‌ها و خصیصه‌هایی است که در مردم کوفه شکل گرفته بود و مقصود از عوامل برونوی همان فشار و اختناق دستگاه حاکمان بنی‌امیه بود که با ترفندهای مخصوص به خود، مردم را آماده چنین کاری کرد.

### عوامل درونی

#### اشاره

عوامل درونی در مردم کوفه - براساس آن چه که تاریخ بدان اشاره کرده - چند عامل بوده است:

### تناقض آشکار در سیره و گفتار

مردم کوفه در موارد گوناگونی به اثبات رساندند که همیشه در سیره و گفتار خود دچار تناقض بوده‌اند، چرا که از یک سو سخنی را بر زبان آورده که هیچ‌گاه در عمل بدان اعتقادی نداشتند. موارد آن بسیار است، از جمله این که آنها هزاران نامه و طومار نوشته و امام حسین (ع) را به کوفه دعوت کردند و برخی در نامه‌ها به تعداد نیروهای آماده دفاع اشاره کرده که تعدادشان یک صد هزار نفر است. برخی دیگر نیز ضمن دعوت از امام نوشته بودند که اگر به دعوت آنها پاسخ مثبت ندهد، فردای قیامت شکایت او را به نزد پیامبر خدا خواهند نمود. اما پس از آن که نماینده امام حسین را در کوفه دیدند، اگرچه در ابتدا به نشانه وفاداری با وی بیعت کردند، اما پس از تهدیدهای عییدالله - با یک چرخش عجیبی و با یک عقب نشینی مفتضحانه‌ای - نه تنها مسلم بن عقیل را تنها

گذارند، بلکه همان دست‌های بیعت‌کننده، در کربلا - علیه امام حسین - تبدیل به شمشیر شد. در دل آنها چیزی می‌گذشت که بر زبانشان جاری نمی‌شد. آنها کسانی بودند که وصف کاملشان بر زبان فرزدق آمده است که در پاسخ امام حسین (ع) - که از وضعیت مردم کوفه - پرسیده بود، گفت: *قلوبهم معک و سیوفهم علیک*؛ [۱] قلب‌هایشان همراه تو، ولی شمشیرهایشان علیه تو بسیج شده است. خود امام نیز در بین راه به شخصی فرمود: این نامه‌های اهل کوفه است و خود آنها قاتلان من می‌باشند. [۲]. از موارد این تناقض آشکار در قول و عمل مردم کوفه این بود که پس از شهادت امام حسین (ع) وقتی به خیمه‌های امام حمله‌ور شده و غارت کردند، یکی از اهل کوفه به فاطمه (دختر امام حسین) هجوم برده، گوشواره‌اش را از گوش او وحشیانه کشید، به گونه‌ای که گوش او را پاره کرد. فاطمه دید که آن مرد کوفی به شدت گریه می‌کند، پرسید چرا گریه می‌کنی؟ گفت چگونه نگریم در حالی که مشغول غارت دختر رسول الله می‌باشم؟ فاطمه گفت: خوب پس مرا رها کن، پاسخ داد بیم آن را دارم که اگر من نبرم دیگری ببرد!! [۳]. هم چنین نوشته‌اند: هنگامی که اسیران اهل بیت (ع) را وارد کوفه کردند، مرد و زن به حال آنان گریه می‌کردند. امام سجاد (ع) - که سخت شگفت زده شده بود - فرمود: اگر اینان بر ما گریه می‌کنند پس چه کسی ما را کشت. [۴]. همان‌ها بودند که از عبدالله بن عمر درباره حکم خون پشه سؤال کردند که اگر بر لباس بود پاک یا نجس است، در پاسخ آنان گفت: ببینید از من درباره خون پشه می‌پرسید، در حالی که فرزند پیامبر خدا را کشتند در حالی که درباره او و برادرش شنیدم که پیامبر می‌فرمود: «هما ریحانتان من الدنيا». [۵]. عجیب این جا است: آنان که خون عزیزترین انسان‌های روی کره زمین را بی‌باکانه می‌ریزند چگونه از خون پشه که بر بدن یا لباس اصابت کرده می‌پرسند.

### پیمان شکنی

دومین صفتی که مردم کوفه به آن مشهور و معروف گشته بودند، صفت ناپسند و زشت عهد و پیمان شکنی و عدم وفا به تعهدات خویش است. این روش را همگان می‌دانستند. در تاریخ می‌خوانیم که آنان به علی (ع) خیانت کردند، همچنین به امام حسن مجتبی و امام حسین و پس از او به زید بن علی و هم چنین به هر رهبری که قیامی را هدایت می‌کرد، خیانت کردند. از این رو بازدارندگان، به امام حسین گفتند: شما پیمان شکنی و خیانت کوفیان را نسبت به پدر و برادرت دیده‌ای، مبادا فریب آنها را به خوری. داود بن علی هم به زید بن علی گفت: *یا بن عم ان هؤلاء یغرونک من نفسک، ألیس قد خذلوا من کان أعز علیهم منک جدک علی بن ابی طالب حتی قتل و الحسن من بعده بايعوه ثم وثبوا علیه فانزعوا رداءه من عنقه وانتهبوا فسطاطه و جرحوه؟ أو لیس قد أخرجوا جدک الحسین و حلفوا له بأو کد الایمان ثم خذلوه و أسلموه ثم لم یرضوا بذلک حتی قتلوه*؛ [۶] ای عموزاده اینان فریب ندهند، آیا اینها به کسی که عزیزتر از تو در نزدشان بود (جدت علی) خیانت نکردند تا این که کشته شد؟ و آیا با حسن بن علی پس از او نخست بیعت نکردند و سپس بر او هجوم برده و عبا از دوشش کشیده و وسائل درون خیمه‌اش را غارت کردند و زخمی‌اش نمودند؟! آیا جدت امام حسین را فرا نخواندند و از مدینه و مکه بیرون نیاوردند و به او پیمان‌های سختی ندادند، اما در نهایت به او خیانت کرده و راضی نشدند تا این که او را به قتل رساندند؟

### زودباوری در جنگ‌های روانی

زودباوری مردم کوفه و فریب خوردن در جنگ‌های روانی که گاهی علیه آن‌ها به کار برده می‌شد یکی از صفات ناپسند و علل ضعف و بی‌ارادگی آنها به شمار می‌رفت که دشمن از همین نقطه ضعف استفاده می‌کرد و به اهداف سیاسی خود می‌رسید البته در طول تاریخ موارد بسیاری به ثبت رسیده که به چند ماجرا اشاره می‌نمایم: ۱. در جنگ صفین، نیروهای امیرمؤمنان در کنار نهر آب اردو زده بودند و معاویه دستش از آب کوتاه بود. او با یک حيله و شگردی مخصوص به خود، نامه‌ای نوشت و آن را به تیر بسته به

طرف اردوگاه امیرمؤمنان پرتاب کرد. وی به طور ناشناس در نامه نوشته بود: من شما را نصیحت می‌کنم که این محل را تخلیه کنید، زیرا معاویه قصد دارد کانالی احداث کند که این منطقه را زیر آب برده و همه شماها را غرق کرده و نابود سازد. یاران علی (ع) از یافتن چنین نامه‌ای فریب خورده و سریعاً محل اردوی خود را تغییر دادند، با این که حضرت فرمود: این حيله‌ای بیش نیست، او می‌خواهد بر این موضع دست یابد. چرا که معاویه هرگز قادر به چنین کاری نمی‌باشد. اما متأسفانه آنان زیر بار نرفتند و با تخلیه اردوگاه فوراً معاویه آن جا را تصرف کرد که بار دیگر مالک اشتر به کمک دیگر نیروهای رزمنده، آن جا را باز پس گرفت. [۷]

۲. وقتی جنگ صفین به مراحل پایانی خودش نزدیک شده بود و معاویه در حال فرار بود، از عمروعاص خواست تا چاره‌ای بیندیشد. عمرو گفت: دستور ده تا قرآن‌ها را بر سر نیزه کنند، زیرا این کار موجب پیروزی ما و متفرق شدن نیروهای علی (ع) می‌شود. آنها برای فرار از جنگ قرآن‌ها را بهانه قرار داده تا او بین همه حکم کند. کوفیان فریب این حيله را خوردند. با این که حضرت اصرار می‌ورزید که اینها برای فریب و مکر و خدعه شما است کوفیان هرگز زیر بار نرفتند، بلکه حضرت را تهدید به مرگ کردند که اگر جنگ را تعطیل نکنی و مالک را از خط مقدم برنگردانی تورا به قتل خواهیم رساند!! [۸]. سومین شاهد تأثیر جنگ روانی بر مردم کوفه همان عملکرد فریبانه معاویه بن ابی سفیان نسبت به سپاهیان امام حسن مجتبی بود. او با فریب فرماندهان نظامی سپاه امام حسن و فرار برخی از آنان، زمینه را طوری فراهم کرد که کوفیان فکر کردند که امام در پی صلح با معاویه است. لذا وقتی که امام در شهر ساباط - برای آزمودن نیروهای خود - سخنرانی کرد آنان با تأثیرگذاری زمینه فراهم شده از طرف معاویه علیه امام، شورش کرده و به خیمه حضرت حمله ور شدند و آنچه را که در خیمه داشت به غارت بردند و در نهایت آن حضرت را نیز زخمی کردند. [۹]. ۴. عبیدالله بن زیاد برای مهار کردن شورش مردم کوفه، از این اصل استفاده کرده و مردم را با این ترفند به شدت مرعوب ساخت. او اعلام کرد که سپاه یزید از شام حرکت کرده و هم اکنون در راه است. لذا با این خدعه و نیرنگ توانست مردم را از اطراف مسلم بن عقیل پراکنده سازد. [۱۰].

### نداشتن آزادی عمل و استقلال فکری

از جمله عواملی که مردم کوفه را بر آن داشت تا با امام حسین (ع) بجنگند، این بود که مردم کوفه از یک بلوغ فکری و استقلال - در تصمیم‌گیری - برخوردار نبودند، زیرا شهر کوفه پس از تأسیس آن در سال ۲۰ هجری، محل اسکان قبائل، گروه‌ها، ملیت‌ها، مذاهب و ادیان گوناگونی بود که همین ناهماهنگی و یک دست نبودن مردم سبب شد تا هر قبیله‌ای برای خود و هم پیمانانش شرایط خاصی اعمال کند. استاد شریف قرشی با بررسی وضعیت مردم کوفه به تفصیل در این باره پرداخته و ساکنان آن را در آغاز تأسیس - که پس از فتح عراق بر دست سعد بن ابی وقاص صورت گرفت - عده‌ای از یاران پیامبر (ص) دانسته که به کوفه رفتند و هم چنین قبائلی از یمن - همانند قضاعه، غسان، بجیله، خثعم، کنده، حضرموت، ازد، مذحج، حمیر، همدان و نخع - و قبایل عدنانی - همانند تمیم و بنوالعصر - و قبایل بنی بکر - همانند بنو اسد، غطفان و محارب و نمیر - و نیز گروهی از ایرانیان که پس از فتح، شهر کوفه را برای اقامت انتخاب کردند. هم چنین نبطی‌ها و سریانیان در کنار دیگر قبایل و طوایف در این شهر اقامت گزیدند. علاوه بر این غیر از مسلمانان همانند یهودیان و نصاری [۱۱] نیز در این شهر زندگی می‌کردند. با این بیان در جای جای شهر کوفه قبیله‌ای استقرار یافته و برای خود حکومتی قبیله‌ای برقرار ساخته بود که هیچ‌گاه با هم هماهنگ نبودند. لذا با کنار آمدن رئیس قبیله با حکومت و یا یک جریان فکری دیگر، افراد آن قبیله و هم‌پیمانان مجبور بودند، که همراه او باشند. در نتیجه باید گفت این قبایل و مردمی که هر یک از جایی آمده بودند، اگرچه در ظاهر در کنار یکدیگر می‌زیستند، اما (به فرموده امیرمؤمنان) با اهواء و گرایش‌های گوناگون [۱۲] جدا از یکدیگر بودند و با اعمال فشار حکومت قبیله‌ای به حکم اجبار راهی کربلا می‌شدند.



## عوامل برونی

### اشاره

دومین عاملی که باعث شد مردم کوفه برای جنگ با امام حسین (ع) بسیج شوند، اقدامات سریع حکومت غاصبانه بنی‌امیه بود که با در نظر گرفتن شرایط جدید حاکم بر کوفه و عزل فرماندار سابق و آمدن فرماندار جدید بود. عبيدالله بن زیاد برای مهار انتفاضه و قیام مردم و تسلط کامل بر شهر و مردم کوفه، اقداماتی به عمل آورد که در ذیل متذکر می‌شویم:

### ایجاد رعب و وحشت

عبيدالله با کشتن افراد بی‌گناه و کشیدن آن‌ها در کوچه و بازار و هم‌چنین با دار زدن افراد و آویزان کردن آنها در اماکن عمومی و یا انداختن افراد از بالای قصر دارالاماره، سخت مردم را به وحشت انداخت؛ مثلاً با کشتن مسلم بن عقیل (نماینده امام حسین (ع)) و هانی بن عروه و کشاندن این دو چهره بزرگ و انقلابی در کوچه و بازار کوفه و هم‌چنین انداختن نماینده دیگر امام حسین (ع) به نام قیس بن مسهر صیداوی، این جو خفقان‌آمیز را در کوفه به وجود آورد. مسعودی می‌نویسد: هانی بن عروه را - که چهار هزار نفر شمشیر زن تحت امر او بودند - از زندان بیرون آورده و دست بسته برای گردن زدن به طرف بازار می‌بردند. او آن‌چنان فریاد می‌زد و بزرگان قبایل را به نام یاد می‌کرد و وامذحجه می‌گفت و آنها را به یاری می‌طلبید، اما هیچ‌یک به حمایت او برخاستند و به ندای او لبیک نگفتند... [۱۳]. از این رو، ترس و وحشت مردم به جایی رسیده بود که کسی حاضر به دفاع از او نشد و به دستور عبيدالله در انتظار عمومی در سن ۸۹ سالگی گردنش را زدند و وی را به شهادت رساندند. [۱۴]. عبيدالله در راستای اجرا کردن اهداف شوم و نامقدس بنی‌امیه، آنقدر به این کشتارهای وحشیانه مردم ادامه داد که تقدیرنامه‌ای از یزید بن معاویه دریافت کرد. این بار یزید ضمن تقدیر از عبيدالله برای او نوشت: شنیده‌ام که حسین (ع) متوجه عراق گردیده است، باید راه‌ها را سخت به کنترل درآوری و در ظفر یافتن به او تلاش سختی بنمایی و مردم را به بهانه‌های گوناگون به قتل برسانی. [۱۵]. او نیز با ایجاد این رعب و وحشت در بین مردم توانست به موقع از این حربه استفاده نماید و مردم را - پس از ورود امام حسین (ع) به کربلا - جهت جنگ با امام حسین (ع) بسیج کند. نتیجه این کار این شد که افراد ضعیف‌النفس و بی‌اراده و یا مزدورانی که از دیگران پیروی می‌کردند و از خود هیچ اراده‌ای نداشتند، راهی جز رفتن به کربلا و جنگیدن با امام حسین نداشتند، زیرا نه می‌توانستند در کوفه بمانند و نه می‌توانستند اراده‌ای از خود نشان داده یا به فرار بگذارند.

### دستگیری هواداران امام حسین

با فروکش کردن قیام مردم کوفه، عبيدالله دستور داد تا سران شورش و تمام هواداران امام حسین (ع) را تحت تعقیب قرار دهند. از آن‌عده افرادی که تا دیروز به خاطر مصالح خود در کنار انقلابیون بوده و امروز در کنار عبيدالله قرار گرفته بودند کمال استفاده را برده و با کمک مزدوران عبيدالله خانه به خانه برای دستگیری انقلابیون بشتابند. عبيدالله با چنین اقدامی بر بیشتر انقلابیون و هواداران دست یافته و راهی سیاه چال‌ها نمود. قرشی می‌نویسد: عبيدالله به بازداشت‌های وسیعی دست زد که براساس نقل مورخین، وی دوازده هزار نفر را دستگیر کرد، از جمله سلیمان بن صرد خزاعی، مختار بن یوسف ثقفی و چهارصد نفر از چهره‌های سرشناس کوفه. [۱۶]. اگر این آمار درست باشد باید گفت که عبيدالله تقریباً بر دو سوم بیعت‌کنندگان با مسلم - که از هواداران امام حسین (ع) بودند - دست یافته و آنها را راهی زندان‌ها و شکنجه‌گاه‌ها کرد که اگر آن‌ها به زندان نمی‌افتادند، چه بسا کوفه در موقع حضور امام حسین (ع) شکل دیگری به خود می‌گرفت و یا لااقل برای امام یاران بیشتری از کوفه بسیج می‌شدند.

## تطمیع مردم به پول، مقام، جایزه

سومین عاملی که باعث شد تا مردم برای رفتن به کربلا و مقابله و رویارویی با امام حسین انگیزه پیدا کنند، پول‌ها و وعده پست‌ها و مقام‌هایی بود که از سوی عبیدالله به مردم - به ویژه اعیان و شخصیت‌های کوفه - داده شد. آن پول‌ها، آن قدر مردم را شتاب زده کرد که برای دریافت آن بر یک دیگر پیشی می‌گرفتند!! هم چنین برای دریافت آن پست‌ها به گونه‌ای مست و «لایعقل» گردیده بودند که آزادی فکر و اندیشه از عواقب امر را از آن‌ها گرفته بود. بدین جهت این وعده‌ها بسیار کارساز بود؛ اگرچه برای بسیاری از آن‌ها جز ضرر و زیان، سود دیگری نداشت. از جمله افرادی که سخت شیفته قدرت و مقام شد عمر بن سعد بود. وی به خاطر از دست ندادن حکومت «ری» آماده چنین کاری شد. مجلسی می‌نویسد: عبیدالله بن زیاد - که از نامه امام حسین به شدت خشمیگین شده بود - نگاهی به عمر انداخته و به او دستور داد تا به جنگ امام حسین (ع) بیرون رود و این در حالی بود که ولایت «ری» را به او واگذار کرده بود، ولی عمر بن سعد عذر آورد. ابن زیاد گفت: پس فرمان حکومت «ری» را به ما برگردان. عمر سعد، درخواست مهلت کرده روز دیگر از ترس این که مبادا ولایت ری از دستش گرفته شود، رفتن به کربلا را پذیرفت. [۱۷]. هم چنین شمر بن ذی الجوشن و آن ده نفری که بدن امام حسین را زیر سم اسب گرفتند در انتظار جایزه از عبیدالله بن زیاد [۱۸] و یزید بن معاویه بودند.

## حضور یافتگان در کربلا

حضور یافتگان در کربلا دو دسته بودند: دسته اول کسانی بودند که به کمک امام حسین شتافته و علی رغم این که راه‌ها به شدت کنترل می‌شد - تا نیروی کمکی برای امام از کوفه خارج نشود - اما چهره‌های محترم و سرشناسی همانند: حبيب بن مظاهر اسدی، انس بن حارث کاهلی، مسلم بن عوسجه، رافع بن عبدالله، مسلم بن کثیر ازدی، زهیر بن سلیم ازدی، جابر بن الحجاج، نعمان بن عمرو ازدی، حلاس بن عمرو ازدی [۱۹] و عده دیگری از کوفیان در کربلا حضور یافته و به شهادت رسیدند. دسته دوم کسانی بودند که به قصد جنگ با امام حسین به کربلا رفتند و این دسته چند گروه بودند: ۱. گروهی از همان ابتدا چنین هدفی داشتند، اما وقتی به کربلا رسیدند تغییر موضع داده و در کنار امام حسین قرار گرفتند و به شهادت رسیدند همانند: جوین بن مالک بن قیس، قاسم بن ابی حبيب ازدی، مسعود بن الحجاج، عبدالرحمن بن مسعود بن الحجاج تمیمی و ضرغامه بن مالک. [۲۰]. ۲. برخی هم از ترس عبیدالله، با سپاه عمر بن سعد از کوفه بیرون آمدند ولی در بین راه پا به فرار گذاشتند. ۳. سومین گروه، هواداران حزب اموی بودند همانند: عمر بن سعد، شمر بن ذی الجوشن، حصین بن نمیر، شیبث بن ربعی، عزرة بن قیس، عمرو بن الحجاج زبیدی، حجار بن أبجر، زجر بن قیس و... لذا هر یک از اینها فرماندهی گروه زیادی از لشکر عمر بن سعد را به عهده گرفته بودند. ۴. عده‌ای هم از دشمنان اهل بیت بودند که قصد انتقام از خاندان پیامبر (ص) و امیرمؤمنان را داشتند. ۵. دسته‌ای نیز جزء مرعوب شدگان سیاست عبیدالله بودند که اجباراً یا اختیاراً برای جنگ با امام حسین بسیج شده و برای این که پرونده سیاهی برای آنان تشکیل نشود حاضر به رفتن کربلا شدند. توده مردم جزء این گروه بودند. ۶. گروه دیگر افراد غافل و بی‌خبری بودند که نه شخصیت اهل بیت - خاصه امام حسین - را درک کرده بودند و نه از کفر خلیفه جدید خبری داشتند و از سوی دیگر با تبلیغات سوء علیه امام حسین - که وی بر ضد خلیفه مسلمانان قیام نموده و از دین خروج کرده - با این انگیزه در کربلا - شرکت جستند. چنان چه می‌خوانیم که عمرو بن الحجاج برای تحریک مردم به جنگ با امام حسین در روز عاشورا فریاد می‌زد: قاتلوا من مرق عن الدین و فارق الجماعة؛ بجنگید با کسی که از دین خدا برگشته و از صف مسلمانان بیرون رفته است و امام نیز در پاسخ این شخص فرومایه فرمود: وای بر تو ای عمرو! آیا مردم را به این بهانه و اتهام که ما از دین خدا خارج شده‌ایم به جنگ و ریختن خون ما تشویق و ترغیب می‌کنی؟! آیا ما از دین خدا خارج گردیده‌ایم ولی تو - که حق را از باطل نشناختی - در دین خدا پا برجا هستی؟! نه، هرگز چنین نیست، روزی که

روح مان از تن ما جدا گردید، خواهید فهمید که چه کسی سزاوار آتش است. [۲۱].

## اوصاف لشکر ابن سعد از زبان امام

اگرچه از نظر تاریخ روشن است که مردم کوفه افرادی پیمان شکن و بی وفا بوده‌اند، اما باید دید آنان که این حادثه تلخ و این فاجعه بزرگ را به وجود آوردند چه کسانی بودند و آیا در کربلا باز هم آن فشار و اختناق حاکم در کوفه وجود داشت؟ آیا شبانه نمی توانستند پا به فرار بگذارند؟ آیا جلوی راه آنها به سوی لشکرگاه امام حسین بسته بود؟ آیا به عاقبت کار فکر نکردند؟ آیا مسلمان نبودند؟ علاوه بر آن آیا وجدان و عاطفه هم نداشتند؟ آیا عرب نبودند؟ و آیا آزاد مرد نبودند؟! جواب این پرسش‌ها را باید از زبان امام شنید که سپاه عمر بن سعد، نه آزادمرد بودند و نه مسلمان. نه دارای عاطفه بودند و نه وجدان، چرا که اگر مسلمان بودند هرگز با محبوب رسول خدا نمی جنگیدند و اگر آزاد بودند به عاقبت امر می اندیشیدند و اگر عاطفه داشتند این همه وحشی گری را در کربلا- نسبت به خاندان وحی و رسالت روا نمی داشتند. عجب این جاست که در این مردم هیچ چیز اثر نگذاشت، نه موعظه، نه کلام خدا و نه سخنی از پیامبر (ص). جالب این است که هیچ کس به اندازه امام آنها را نشناخت و به معرفی چهره آنان پرداخت. در سخنانی که روز عاشورا ایراد کرد با این که می دانست هرگز با موعظه و هشدار تغییر مسیر نخواهند داد، کوفیان را این چنین توصیف کرد: «ای پیروان آل ابی سفیان و پیروان شیطان، مسخ شدگان، فاسقان، ظالمان، سفیهان، منافقان، قاتلان فرزندان پیامبران، اذیت کنندگان مؤمنان، قاتلان فرزندان بدریان، قاتلان مؤمنان، خبیثان، فرزندان حرام، فرومایگان، ظاهرکنندگان فساد روی زمین، باطل کنندگان حدود خدا، خورندگان اموال فقرا و مساکین، بردگان امت، شاربان خمر شکم‌های انباشته از حرام، و...» [۲۲]. با توجه به توصیف امام درباره اوصاف ناپسند مردم کوفه - به ویژه حضور یافته گان در لشکر عمر سعد - علت جنگ کوفیان با امام حسین (ع) در کربلا به خوبی روشن می گردد.

## پاورقی

- [۱] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۶۵.
- [۲] ابن عساکر، ص ۲۱۱.
- [۳] سیر اعلام النبلاء، ج ۳، ص ۲۰۴.
- [۴] حیاة الامام الحسین، ج ۳، ص ۴۲۱.
- [۵] همان، ج ۲، ص ۴۲۴.
- [۶] تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۸۸.
- [۷] صفین، نصر بن مزاحم، ص ۱۹۰.
- [۸] ر.ک: ارشاد مفید، ص ۱۲۸.
- [۹] ارشاد مفید، ص ۱۷۱.]
- [۱۰] الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۲۹.
- [۱۱] ر.ک: حیاة الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۳۲ - ۴۴۴.
- [۱۲] ارشاد مفید، ص ۱۳۰.
- [۱۳] منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۱۶.
- [۱۴] همان.

- [۱۵] ارشاد مفید، ص ۲۰۰.
- [۱۶] حیاة الامام الحسین، ج ۲، ص ۴۱۶.
- [۱۷] بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۳۸۴.
- [۱۸] لهوف، ص ۱۱۵.
- [۱۹] ر. ک: ابصار العین و وسیله الدارین.
- [۲۰] همان.
- [۲۱] سخنان حسین بن علی، ص ۲۵۵.
- [۲۲] ر. ک: الامام الحسین فی کربلا، ص ۲۱۹.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه‌های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه‌ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...  
د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزارهای تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه‌های ماهواره‌ای  
و) راه‌اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ‌گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)  
ز) طراحی سیستم‌های حسابداری، رسانه‌سازی، موبایل‌سازی، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب‌کیوسک، SMS و ...  
ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه‌های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش‌ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت‌کننده در جلسه  
ی) برگزاری دوره‌های آموزشی ویژه عموم و دوره‌های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال  
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید / حد فاصل خیابان پنج‌رمان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان  
تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶  
وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:  
[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-(۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور  
کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده‌ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی  
جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح‌های توسعه‌ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل  
و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه‌الله الاعظم عجل‌الله تعالی فرجه الشریف توفیق  
روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۹۰ IR  
۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید  
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده  
است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار  
شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،  
هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی  
اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از  
پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال،  
خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی  
همه مردم را زنده کرده است؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش

از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

